

تعهد دولت به مقابله با جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان و تحدید مجازات های بدنی از منظر حقوق بین الملل بشر

اسماعیل رحمانی کلاکوب *

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۴	تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۲
------------------------	--------------------------

جرائم مواد مخدر و روان گردان ها، از عوامل تهدیدکننده نظم و امنیت جامعه بین المللی و سلامت افراد است که معاهدات بین المللی مختلف در چند دهه اخیر به این موضوع می پردازند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام مبتنی بر کرامت و ارزش والای انسان برای مبارزه مؤثر با همه مظاهر فساد و تباهی ضمن پیوستن به معاهدات بین المللی مرتبط، تلاش کرده با اعمال مجازات شدید، ارتکاب جرائم مذکور را به حداقل برساند اما اعمال مجازات بدنی مغایر تعهدات حقوق بشری دولت دانسته شده و واکنش هایی را در پی داشته است.

در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که دولت ایران طرف آن است، مجازات یا رفتارهای بی رحمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز منع و بر تحدید مجازات اعدام به «خطرترین جرائم» تأکید شده است. دادگاه های ایران با تلقی جرائم مرتبط با مواد به عنوان «خطرترین جرائم»، اعمال مجازات بدنی را برای کنترل جرائم مرتبط با مواد ضروری و غیرمغایر با تعهدات بین المللی دولت دانسته اند. با توجه به نظرهای تفسیری نهادهای حقوق بشری و گرایش جهانی بر عدم اعمال مجازات بدنی، دادگاه های ایران باید با استفاده از ظرفیت های قانونی موجود اعمال مجازات بدنی را به حداقل رسانده و موجب اجتناب از مسئولیت بین المللی دولت و حفظ مصالح نظام شوند.

کلیدواژه ها: جامعه بین المللی؛ مواد مخدر و روان گردان؛ کنترل جرم؛ مجازات بدنی؛ خطرترین جرائم؛ دادرسی منصفانه

مقدمه

سال‌هاست مفاهیم «قواعد آمره بین‌المللی» و «تعهدات در قبال همه»^۱ بیانگر وجود جامعه بین‌المللی و ضرورت حفظ منافع و ارزش‌های مشترک است. به دلیل فقدان قدرتی برتر از قدرت دولت‌ها، «مشارکت و همکاری تمام اعضای جامعه بین‌المللی، به‌ویژه دولت‌ها در حفظ نظم عمومی بین‌المللی و مقابله با هر عاملی که چنان نظمی را در معرض خطر قرار دهد، به‌عنوان ضرورتی اجتماعی و الزام حقوقی مطرح می‌شود» (دلخوش، ۱۳۹۰: ۱۸).

امروزه گروه‌های تروریستی و باندهای قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان در قاره‌های مختلف، به‌صورت سازمان‌یافته فعالیت دارند. با وجود ارتباط معنادار بین قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان با سایر جرائم سازمان‌یافته فراملی از قبیل تروریسم،^۲ قاچاق اسلحه و پول‌شویی می‌تواند بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع و نهایتاً نظم و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد. از این‌رو دولت‌ها با انعقاد معاهدات بین‌المللی تلاش کرده‌اند به مقابله با جرائم مذکور برخیزند. دولت ایران ضمن پیوستن به اکثر معاهدات مرتبط، همانند برخی دولت‌های دیگر، با اتخاذ سیاست جنایی امنیت‌گرا،^۳ نظام عدالت‌کیفری خود را به مجازات‌های سخت‌گیرانه از جمله «مجازات بدنی»،^۴ مجهز کرده و آن مجازات‌ها را در به حداقل رساندن ارتکاب جرائم مرتبط با مواد، مؤثر و منطبق با تعهدات بین‌المللی خود در زمینه مقابله با جرائم دانسته است.^۵

با توجه به اینکه اعمال سیاست جنایی امنیت‌گرا، می‌تواند موجب کم‌رنگ شدن

1. Obligations Erga Omnes

۲. پاراگراف ۴ قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد، مصوب ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ تروریسم را چالش جدی جامعه جهانی و تلاش در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای مقابله با آن تأکید کرده است. نک: United Nations S/RES/1373, 2001, para. 4.

۳. برای آشنایی بیشتر با سیاست جنایی امنیت‌گرا و تأثیر آن بر جامعه و جرائم نک: غلامی و رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۸۹-۱۵۹. 4. Corporal Punishment

۵. بند «۸» پاسخ دولت جمهوری اسلامی ایران به پیش‌نویس گزارش گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر به هفتادمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مورخ ۱۵ اکتبر ۲۰۱۵ و بند «۱۰» پاسخ دولت جمهوری اسلامی ایران به پیش‌نویس گزارش همان گزارشگر به هفتادویکمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مورخ سپتامبر ۲۰۱۶ قابل دسترس در: <http://www.iranrights.org/fa/library/document/2896> (11 March 2016)

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/02/27/742671/>

ارزش‌ها و نقض برخی تعهدات حقوق بشری شود؛^۱ سؤال اصلی این است که دامنه تعهد دولت به مقابله با جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان تا چه حد است؟ اهمیت این سؤال اینجاست که به رغم ضرورت تحدید مجازات اعدام به «خطرترین جرائم» و ممنوعیت شکنجه، مجازات‌ها یا رفتارهای غیرانسانی، بی‌رحمانه و خوارکننده در اسناد بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تعریفی از جرائم موصوف در آن اسناد ارائه نشده و امکان تفسیرهای متفاوت وجود دارد.

در این پژوهش در مبحث اول، تلاش می‌شود با تبیین مفهوم جامعه بین‌المللی و تعهد دولت‌ها در قبال ارزش‌های آن و همچنین ضرورت همکاری دولت‌ها و تعهد آنها به مقابله با جرائم بین‌المللی و رعایت اصول دادرسی منصفانه مورد بررسی قرار گیرد. سپس در مبحث دوم تعهد دولت ایران به مقابله با جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان؛ چالش‌ها و راهکارها می‌پردازد. این جرائم با استناد به معاهدات بین‌المللی مرتبط، رویه دولت‌ها و نهادهای نظارتی حقوق بشری که جرائم مرتبط با مواد، در زمره «خطرترین جرائم» قرار می‌گیرند و اعمال مجازات بدنی در آن جرائم، از منظر حقوق بین‌الملل بشر و تعهدات بین‌المللی دولت ایران از جمله تعهدات ناشی از میثاق^۲ قابل توجیه است یا خیر تحلیل می‌شود و ظرفیت‌های قانونی موجود برای تعدیل مجازات بدنی مقرر در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، تبیین می‌شود و در نهایت به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌پردازد.

۱. جامعه بین‌المللی و تعهد دولت‌ها در قبال آن

مدت‌هاست که از جامعه بین‌المللی و منافع مشترک دولت‌ها سخن به میان می‌آید. با توجه به تساوی حاکمیت دولت‌ها و نبود ابردولت یا دولت واحد جهانی، اینکه چنین جامعه‌ای وجود خارجی دارد؛ دارای چه ساختار و اقتضائاتی است، مستلزم بررسی و شناخت مفهوم جامعه بین‌المللی و ارزش‌های آن و نیز تعهد دولت‌ها در قبال آن است.

۱. به منظور آشنایی با تأثیر سیاست جنایی امنیت‌گرا بر ارزش‌های حقوق بشری نک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۴۴.
۲. دولت ایران در تاریخ ۱۳۴۷/۱/۱۵ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی را امضا و در اردیبهشت ۱۳۵۴ از تصویب گذرانده است و به این ترتیب به آن اعتبار قانونی بخشیده و خود را به آن متعهد ساخته است.

۱-۱. جامعه بین‌المللی و ارزش‌های آن

از زمان شکل‌گیری مفهوم دولت، تا مدت‌ها روابط بین دولت‌ها بر پایه اصل رضایت و اراده آزاد آنها استوار بود. این واقعیت را دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۲۷ در قضیه لوتوس، به خوبی تبیین کرد. دیوان در آن قضیه تصریح کرد: حقوق بین‌الملل که به منظور تنظیم روابط بین جوامع مستقل همزیست، وضع و به منظور دست یافتن به اهداف مشترک ایجاد شده از اراده آزاد دولت‌ها که در کنوانسیون‌ها به ظهور رسیده یا به وسیله رسمی اعلام شده، ناشی می‌شود (PCIJ, 1927). بنابراین تا سال‌ها، دولت‌ها فقط در صورتی رضایت به التزام در قبال قواعد حقوق بین‌الملل می‌دادند که نوعی عوض وجود می‌داشت. در واقع، حقوق بین‌الملل بر شکلی از تقابل متکی بود (رستم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱). پس از وقوع دو جنگ جهانی و «مصائب غیرقابل بیان»^۱ برای محفوظ داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگی دیگر و ایجاد تحقق عدالت و حفظ کرامت و ارزش شخص انسان، دولت‌ها به سوی همگرایی و اشتراک در سرنوشت گرایش پیدا کردند. آنها با ایجاد سازمان ملل متحد برای تحقق اهداف خاصی از جمله حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، حاضر به تحدید حاکمیت خود به نفع ارزش‌های مشترک شدند. این تحول و دگردیسی، به تدریج باعث شکل‌گیری مفاهیم و قواعدی شد که نتیجه آن، توجه هرچه بیشتر به منافع کل بشریت بود و تا جایی پیش رفت که سخن از جامعه بین‌المللی و ضرورت حفظ ارزش‌های آن به میان آمد.

در حال حاضر، با به رسمیت شناختن تدریجی، آرام و محتاطانه شخصیت جامعه بین‌المللی، تا حدودی از پراکندگی و گسیختگی بیرون آمده و تابع حقوق بین‌الملل شده و هویت خود را در ارزش‌هایی یافت که موجودیتش بر آنها متکی است (فلسفی، ۱۳۷۹: ۳۰۴) و خود منشأ تعهدات بین‌المللی اعضا و در واقع، متضمن یک نظام فراگیر است که منفعت مشترک همه دولت‌ها و به‌طور غیرمستقیم بشریت را در برمی‌گیرد (زمانی و حسینی اکبرنژاد، ۱۳۹۴: ۳۱۹). در چنین جامعه‌ای، حرکت حقوق بین‌الملل

از مجموعه نظم‌های حقوقی دوجانبه به سوی یک نظم حقوقی سلسله‌مراتبی و جهان‌شمول، همزمان با روند جهانی شدن، شدت یافت و تاجایی پیش رفت که از انسانی شدن حقوق بین‌الملل و «جامعه انسانی جهانی»، سخن به میان می‌آید (Trinidad, 2010: 158). هدف غایی نظام حقوقی حاکم بر چنین جامعه‌ای، تحکیم و تثبیت حاکمیت دولت‌ها نیست؛ بلکه تحقق نظم عمومی بین‌المللی است که ماده و محتوای آن، ارزش‌های مشترک و بنیادینی از قبیل صلح، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه، توسعه، محیط زیست و... است. ضرورت وجود چنین نظامی که مبنای آن، رسیدن به «خیر مشترک» است، انکارناپذیر است^۱ (دلخوش، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۷). در حال حاضر، همه دولت‌های ذی‌نفع متعهد به حفظ ارزش‌ها و نظم عمومی بین‌المللی هستند و باید با همه عواملی که به نوعی مخل آن است، مقابله کنند و در مقابل آن واکنش نشان دهند.

۱-۲. تعهد دولت‌ها به مقابله با جرائم بین‌المللی و رعایت اصول دادرسی منصفانه

وقوع جرائم بین‌المللی، به صورت سازمان‌یافته معضل نوین دنیای جدید است که می‌تواند نظم عمومی بین‌المللی را به مخاطره اندازد. دولت‌ها به‌عنوان مؤثرترین عضو جامعه بین‌المللی، باید در چارچوب قواعد حقوق بین‌الملل، درصدد مقابله با آن جرائم برآیند. این تعهد دولت‌ها، در واقع تعهد در قبال کل جامعه بین‌المللی و پایبندی دولت‌ها به آن، پایه و اساس حقوقی جامعه بین‌المللی است (Franck, 1995: 42). از دهه ۱۹۹۰ به بعد که شورای امنیت، میان حفظ صلح و امنیت جهانی با ضرورت مقابله با بی‌کیفرمانی جرائم بین‌المللی، پیوندی ناگسستنی برقرار کرد و با ایجاد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا و... دولت‌ها را به همکاری در مبارزه با جرائم بین‌المللی فراخواند، می‌توان ادعا کرد که همکاری دولت‌ها در مقابله با جرائم بین‌المللی از چارچوب سنتی خویش، یعنی همکاری داوطلبانه و مبتنی بر موافقتنامه خاص، فراتر رفته و می‌تواند در

۱. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خویش در سال ۱۹۵۱ در قضیه اعمال شرط بر کنوانسیون منع و مجازات ژنوسید و کنوانسیون وین حقوق معاهدات (۱۹۶۹) با سخن راندن از قواعد آمره حقوق بین‌المللی عام، خیر مشترک را به‌عنوان مبنای نظم عمومی نمایان ساخته‌اند (دلخوش، ۱۳۹۰: ۱۸).

قالب فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، از پشتوانه اجرایی مستحکمی برخوردار باشد. چنین امکانی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز که در سال ۱۹۹۸ به امضا رسیده و از اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شده، مورد توجه قرار گرفته است. به موجب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی^۱ «فجیع‌ترین جنایاتی که موجب تشویش جامعه بین‌المللی می‌شود نباید بدون مجازات بماند و تعقیب مؤثر مرتکبان آن جنایات باید با اتخاذ تدابیری در سطح ملی و نیز تقویت همکاری بین‌المللی تضمین شود». افزایش نسبتاً سریع تعداد دولت‌های طرف معاهده، حکایت از آن دارد که همکاری دولت‌ها در مقابله با جرائم بین‌المللی از پایه‌های محکمی در حقوق بین‌الملل برخوردار شده است (همان: ۱۹-۱۸).

با این وجود، نکته‌ای که در اینجا نباید از آن غفلت کرد، این است که در مقابله با ضدا ارزش‌های جامعه بین‌المللی، باید همه ارزش‌های آن جامعه، به‌عنوان یک کل، در نظر گرفته شود. از جمله ارزش‌های جامعه بین‌المللی، توجه به حقوق فرد انسانی است. «نظام نو بین‌المللی بر حمایت از حقوق بشر و سایر ارزش‌های مشترک میان انسان‌ها متمرکز شده است» (فلسفی، ۱۳۹۰: ۴۹۱). در این نظام، ذی‌نفع اصلی و نهایی «فرد انسانی» است (تیگر شتروم، ۱۳۸۹: ۸۵). در کنار تعهد دولت‌ها به مقابله با جرائم بین‌المللی، تعهد آنها به احترام به کرامت ذاتی انسان‌ها، حتی اشخاص متهم، یکی دیگر از راهبردهای نوین جامعه بین‌المللی است که باید با اعمال موازین بین‌المللی دادرسی، رعایت شود.

برخی با ارائه نظریه‌هایی همچون «تقابل حق و مصلحت»، معتقدند چنانچه در برخورد با جرائم، بین حقوق افراد و مصالح جامعه تقابل ایجاد شود، می‌توان برای حفظ جامعه، برخی از حقوق افراد از جمله استانداردهای بین‌المللی دادرسی را نادیده گرفت.^۲ این اشخاص با طرح «الگوی کنترل جرم» که بیشتر خشن و سرکوبگر است؛ معتقدند در تعارض میان حقوق متهم و جامعه، این حقوق متهم است که باید قربانی مصالح جامعه و حفظ امنیت شود. در مقابل، عده‌ای دیگر با طرح الگوی دادرسی منصفانه، ضرورت توجه به

۱. پاراگراف چهارم دیباچه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نک:

<https://www.icc-cpi.int/resource-library/Documents/RS-Eng.pdf>

۲. به منظور مطالعه بیشتر در این خصوص و نظریه‌های مخالف، نک: قدیری بهرام‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۴۹-۱۴۸.

حقوق متهم را مطرح کرده و معتقدند، گاه حقوق متهم بر حقوق جامعه رجحان می‌یابد. این الگو با راهبرد دادرسی عادلانه و رعایت کرامت انسانی متهمان، در پی برقراری عدالت در فرایند کیفری است (قیانچی و دانش‌ناری، ۱۳۹۱: ۱۶۹).

به نظر می‌رسد، به جای سخن گفتن از تقابل بین حقوق افراد و مصالح جامعه، باید در پی همگرایی و تعامل بین آنها بود. دادرسی منصفانه، ظرف تحقق عدالت است و مصالح جامعه، محتوای آن. بدون وجود ظرف مناسب نمی‌توان محتوای دلنشینی که نتیجه آن طعم شیرین عدالت و امنیت باشد، تدارک دید. «اگر عدالت از جامعه‌ای رخت بربندد، هیچ ارزشی در جهان برای زندگی انسان باقی نمی‌ماند» (کانت، ۱۳۸۸: ۱۹۲). به اعتقاد صاحب‌نظرانی همچون بکاریا، عدالت کیفری با حفظ و حراست هرچه بیشتر از هر دو مقوله امنیت و آزادی است که معنا پیدا می‌کند (قدیری بهرام‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۵۲). امنیت مقوله‌ای است بسیط که نمی‌توان آن را جزء جزء کرد و فقط عده‌ای را برخوردار از آن دانست (Zedner, 2005: 532).

تضمین امنیت بیشتر، ضرورتاً، مستلزم نادیده گرفتن موازین بین‌المللی دادرسی نیست بلکه حاکمیت قانون است که امنیت پایدار را به ارمغان خواهد آورد. از جمله لوازم حاکمیت قانون، تحقق دادرسی منصفانه با رعایت استانداردهای بین‌المللی دادرسی است. مواد (۶، ۷، ۱۴ و ۱۵) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی. به‌عنوان جامع‌ترین معاهده جهانی در زمینه حقوق مدنی و سیاسی افراد. ناظر بر برخی استانداردهای بین‌المللی دادرسی است که به‌ترتیب به تبیین حق حیات، ممنوعیت شکنجه، رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، خوارکننده و غیرانسانی، تضمین‌های شکلی دادرسی از قبیل اصل تساوی اشخاص در مقابل دادگاه‌ها، اصل علنی بودن دادرسی، اصل برائت، حق داشتن وکیل، حق تجدیدنظرخواهی و اصل عطف بماسق نشدن قوانین می‌پردازد. طبق ماده (۴) میثاق، فقط در صورت وجود خطر عمومی استثنایی که حیات ملتی را تهدید کند، با رعایت شرایط بسیار سخت‌گیرانه‌ای، امکان تعلیق برخی تضمین‌های شکلی دادرسی، موقتاً تا زمان بقای حالت فوق‌العاده وجود دارد؛ اما در همین وضعیت نیز به‌هیچ‌وجه نمی‌توان موازین ماهوی بین‌المللی دادرسی مندرج در مواد (۶، ۷ و ۱۵) میثاق را معلق کرد.

قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان، از جمله جرائم بین‌المللی است^۱ که سود سرشار ناشی از ارتکاب آن می‌تواند در اختیار گروه‌های تروریستی و ضدانسانی قرار گرفته و در نتیجه، تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی باشد. همچنین، اعتیاد به آن مواد، می‌تواند سلامت انسان‌ها، به‌ویژه جوانان را به مخاطره اندازد و موجب فروپاشی کانون خانواده‌ها و تباهی آینده فرزندان قربانیان آن جرائم شود.^۲ از این‌رو مقابله جدی با آن، اولویت درجه اول جامعه بین‌المللی به حساب می‌آید،^۳ با این وجود، افراط در مقابله با آن، می‌تواند دولت‌ها را با چالش‌هایی از منظر حقوق بین‌الملل بشر، مواجه کند.

۲. تعهد دولت ایران به مقابله با جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان: چالش‌ها و راهکارها

یکی از دولت‌هایی که به دلیل نزدیکی با بزرگ‌ترین کشور تولیدکننده مواد مخدر (افغانستان) و نیز وضعیت سیاسی خاص، از یکسو در خط مقدم مقابله با جرائم مرتبط با مواد قرار دارد و با صرف هزینه‌های مالی و جانی فراوان در تلاش است تا آثار شوم ناشی از این مواد را در جامعه بشری به حداقل برساند و از سوی دیگر، مورد حمله‌های حقوق بشری قرار گرفته، دولت ایران است. اینکه گستره تعهدات دولت ایران در مقابله با جرائم مذکور تا چه حد است و با چه چالش‌ها و راهکارهایی در این خصوص مواجه است، موضوع این قسمت از پژوهش است.

۱. جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان از جرائم بین‌المللی قراردادی هستند که به موجب معاهدات بین‌المللی منطقه‌ای یا جهانی، دولت‌ها متعهد شده‌اند برخی اعمال مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان را جرم بدانند و برای مبارزه با آن همکاری کنند (شمس‌ناتری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷).

۲. مصرف مواد مخدر و روان‌گردان علت و پایه بسیاری از جرائم، بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی در کشور است. طبق آمار ارائه شده از سوی مدیرکل وقت دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۲، علت ۵۵ درصد از طلاق‌ها، ۲۵ درصد از قتل‌ها و ۲۳ درصد از نزاع و خشونت‌ها مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها بوده است (صرامی، ۱۳۹۳: ۲۹-۲۷).

۳. در مقدمه کنوانسیون ملل متحد برای مقابله با قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان مصوب ۱۹۸۸، تصریح شده که مقابله با آن جرم، مستلزم توجه فوری و تکلیف جمعی همه دولت‌ها و بالاترین اولویت (The Highest Priority) را دارد.

۲-۱. تعهدات بین‌المللی دولت و چالش‌های پیش رو

توجه به کرامت ذاتی و ارزش والای انسان و مبارزه با همه مظاهر فساد و تباهی، از جمله مبانی اصلی و اصول بنیادین نظام جمهوری اسلامی ایران است (بند «۶» اصل (۲) و بند «۱» اصل (۳) قانون اساسی). ارتکاب جرم، به‌ویژه جرائم مرتبط با مواد، می‌تواند تهدیدی برای آن ارزش‌ها باشد. تصویب معاهدات بین‌المللی و عضویت در این سازمان‌ها از جمله راهکارهای دولت ایران برای مقابله بهتر با جرم و تحقق ارزش‌های مذکور است.

دولت ایران به‌عنوان یکی از اعضای مؤسس سازمان ملل متحد^۱ در کنار سایر دولت‌ها، ضمن اعلام اعتقاد و پایبندی خود به حقوق اساسی و کرامت انسان‌ها، متعهد به انجام اقدام‌های مقتضی به‌منظور حل مسائل بین‌المللی و پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و برطرف کردن تهدیدها علیه صلح و امنیت بین‌المللی در قالب همکاری‌های بین‌المللی است.^۲ بنابراین باید همسو با اهداف سازمان ملل متحد و با توجه به تصمیم‌ها و توصیه‌های ارکان آن سازمان، اقدام‌های مقتضی در زمینه مقابله با جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان به‌عمل آورد.^۳

علاوه بر تعهدات کلی ناشی از عضویت دولت ایران در سازمان ملل متحد، چند کنوانسیون مهم بین‌المللی - از جمله، کنوانسیون واحد مواد مخدر ۱۹۶۴^۴ (اصلاحی با

۱. به‌منظور مطالعه بیشتر در خصوص اعضای مؤسس یا اصلی سازمان ملل نک: موسی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۰۱.

۲. مقدمه بندهای «۱» و «۳» ماده (۱) و بندهای «ب» و «ج» ماده (۵۵) منشور ملل متحد، از جمله مقرراتی از منشور است که درصدد تشویق دولت‌ها به همکاری بین‌المللی برای حفظ صلح و امنیت و حل مسائل مختلف بین‌المللی و تحقق احترام به کرامت و حیثیت انسانی است.

۳. طبق ماده (۹) قانون مدنی «مقررات عهدی که طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول، منعقد شده باشد؛ در حکم قانون است». لذا دولت ایران به‌عنوان عضو سازمان ملل متحد و طرف اساسنامه آن (منشور)، نه تنها باید زمینه اجرای تعهدات ناشی از منشور را فراهم کند؛ بلکه باید پایبند به تصمیم‌های ناشی از ارکان سازمان ملل متحد از قبیل مجمع عمومی و شورای امنیت نیز باشد نک: هاشمی، ۱۳۸۸: ۲۴۵. چراکه به‌تبع عضویت در سازمان، در واقع متعهد به اجرای تصمیم‌های ارکان آن سازمان که در چارچوب اختیاراتشان اتخاذ شده نیز است. رویه قضایی دادگاه‌های ایران حاکی از تمایل قضات ایرانی به این دیدگاه است. برای ملاحظه نمونه رأی دادگاه ایرانی در این خصوص نک: ساعد، ۱۳۸۳: ۱۲۲-۱۱۸.

4. Single Convention on Narcotic Drugs, 1961.

پروتکل (۱۹۷۲)، کنوانسیون مواد روان‌گردان^۱ ۱۹۷۱ و کنوانسیون مبارزه با قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و روان‌گردان^۲ ۱۹۸۸ - به‌طور خاص، به موضوع تعهد دولت‌ها به همکاری برای پیشگیری و مقابله با جرائم مرتبط با مواد می‌پردازند. دولت ایران به‌عنوان طرف کنوانسیون‌های مذکور،^۳ با وضع قانون مبارزه با مواد مخدر در ۱۳۶۷/۸/۳ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام و بازنگری و اصلاح آن در طول سال‌های بعد، درصدد برآمده تا با پیش‌بینی مجازات‌های سنگین، ارتکاب جرائم مرتبط با مواد را به حداقل برساند اما به‌علت اعمال مجازات‌های بدنی، به‌عنوان ناقض حقوق بشر، مورد انتقاد مراجع بین‌المللی قرار گرفته است.^۴ حال آنکه، دولت ایران مدعی است اقدام‌هایی در تعیین مجازات سنگین، به‌منظور ریشه‌کن کردن جرائم و برای حمایت از افراد جامعه و تحقق عدالت کیفری و در راستای اهداف کنوانسیون‌های مذکور ضروری بوده چراکه یکی از رسالت‌های اصلی نظام عدالت کیفری، تضمین حقوق افراد با حمایت کیفری از آنهاست (Emmerson and etal., 2012, 155).

ممنوعیت اعمال شکنجه، مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و خوارکننده، همواره مورد تأکید اسناد حقوق بشری جهانی و منطقه‌ای، اسناد حقوق بشردوستانه و رویه قضایی داخلی و بین‌المللی بوده و جنبه عرفی به خود گرفته است.^۵ دلایلی نظیر تهاجم خارجی، تروریسم یا مصلحت نظام، به‌هیچ‌وجه نمی‌توانند توجیه‌کننده اعمال

1. Convention on Psychotropic Substances, 1971.

2. United Nation Convention Against the Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances, 1988.

۳. دولت ایران به موجب ماده‌واحد‌ای در تاریخ ۱۳۵۱/۴/۷ معاهده واحد مواد مخدر ۱۹۶۱؛ در خرداد ۱۳۷۷ کنوانسیون مواد روان‌گردان ۱۹۷۱ و در ۱۳۷۰/۹/۳ کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان ۱۹۸۸ را تصویب کرده است.

۴. به‌عنوان مثال، دبیرکل سازمان ملل متحد در بندهای «۶ تا ۱۶» آخرین گزارش خود به مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد «وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران»، به فراوانی مجازات اعدام در ایران پرداخته و نگرانی خود را در مورد تداوم اعمال مجازات بدنی از جمله اعدام‌ها در ایران به‌ویژه برای جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان مطرح کرده است. نک: UN Doc. A/HRC/34/40, 13 March 2017.

۵. برای دیدن آرای کمیته حقوق بشر علیه دولت‌های اعمال‌کننده مجازات بدنی نک: جوزف، جنی‌کسن و کسن، ۱۳۹۵: ۲۹۸-۲۹۷ و نیز برای دیدن اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای درخصوص ممنوعیت مجازات بدنی و عرفی بودن این قاعده نک: ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۴۸-۱۳۵.

شکنجه، رفتارها و مجازات‌های خشن، غیرانسانی و خوارکننده باشد، این یک قاعده جهانی است که در هر زمان و در هر شرایطی اطلاق می‌شود (اردبیلی، ۱۳۷۰: ۱۸۵-۱۸۴). کمیته حقوق بشر، به‌عنوان نهاد ناظر بر اجرای میثاق که صلاحیت بررسی گزارش‌های ادواری دول متعاقد و دریافت شکایات عدم اجرای مفاد میثاق و نیز صدور نظرات تفسیری عام در خصوص ابهام‌های موجود در میثاق را دارد (ماده (۲۸) و بند «۴» ماده (۴۰) میثاق) در نظر تفسیری عام شماره ۷ خود، مجازات بدنی افراطی را ممنوع و برخلاف تعهدات ناشی از ماده (۷) میثاق دانسته است (Human Rights Committee, 1982, No. 7, paras 1-3). با تصریح بیشتر در نظر تفسیری شماره ۲۰، ممنوعیت‌های مندرج در ماده مذکور را به تمام انواع مجازات بدنی تسری داده است. (Ibid., 1992, para 5) کمیته مذکور در برخی از پرونده‌هایی که مورد رسیدگی قرار داده از جمله در قضیه مطرح علیه جامائیکا در سال ۱۹۹۷ (Human Rights Committee, 1997, para. 9)، به‌صراحت اعمال مجازات بدنی، از جمله شلاق را به‌منزله مجازات بی‌رحمانه، رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز در مفهوم ماده (۷) میثاق تلقی کرده است.

گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد شکنجه (E/CN.4/1997/7, para 6)، کمیته سازمان ملل متحد علیه شکنجه (CAT/C/SR.494, 2001, para 34) و کمیته سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک (CRC/C/15/Add.267, 2005, paras 41-42) در طول سال‌ها به‌طور پیوسته اعمال قضایی یا اداری مجازات‌های بدنی را برخلاف ممنوعیت رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز و نوعی شکنجه تلقی کرده و مؤکداً دولت‌های عضو را از اعمال هر نوع مجازات بدنی منع کرده‌اند.

در خصوص ممنوعیت مجازات اعدام در جرائم مرتبط با مواد نیز بیشتر دولت‌ها معتقدند: حق مصون بودن از مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و موهن، برخاسته از کرامت ذاتی انسان است که مجازات اعدام آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اوضاع و احوال مقارن اجرای مجازات اعدام، نه خود مجازات اعدام، به‌خصوص انتظار همراه با اضطراب دائم و فزاینده ناشی از اجرای مجازات اعدام می‌تواند نقض ممنوعیت مجازات‌ها و رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی یا موهن به‌شمار آید (سونکا، ۱۳۷۶: ۴۱۷-۴۱۶). این دولت‌ها معتقد

به لغو مجازات اعدام به‌طور کلی هستند. در مقابل، تعداد دیگری از دولت‌ها - از جمله، چین، هند، ژاپن، ایالات متحده آمریکا و ایران - با هدف حمایت از حقوق بشر و مبارزه جدی و مؤثر با جرائم مرتبط با مواد، بر ابقای مجازات اعدام اصرار ورزیده و آن را در برخی مصادیق، مجازاتی ضروری و مشروع دانسته‌اند (آقامیرسلیم، ۱۳۸۶: ۱۳).

این دولت‌ها با استناد به مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ و معاهدات بین‌المللی که طرف آن هستند، اعمال مجازات اعدام را برخلاف تعهدات بین‌المللی خود نمی‌دانند چرا که به‌رغم مجازات اعدام در کارهای مقدماتی اعلامیه جهانی حقوق بشر، ذیل عنوان حق حیات مورد بحث قرار گرفت، به دلیل اختلاف نظر، در متن نهایی به این مجازات اشاره‌ای نشد و میثاق نیز که ترجمان بخشی از اصول مندرج در اعلامیه جهانی به‌صورت تعهدات حقوقی است، در بند «۱» ماده (۶)، صرفاً سلب خودسرانه حیات را منع کرده است، امکان سلب حیات با رعایت شرایطی، در سایر بندهای ماده مذکور به‌صورت کاملاً محدود، پیش‌بینی شده است.

مهم‌ترین قید محدودکننده مجازات اعدام، مربوط به ماهیت جرائم مستوجب مجازات اعدام است. بند «۲» ماده مذکور، صدور حکم اعدام را در کشورهایی که مجازات اعدام در آنها لغو نشده در مورد «خطرترین جرائم» طبق قانون لازم‌الاجرا در زمان ارتکاب جرم جایز دانسته است. کمیته حقوق بشر در نظر تفسیری عام شماره ۶ خود تأکید کرده است که عبارت «خطرترین جرائم» باید به‌صورت محدود تفسیر شود، به‌نحوی که مجازات مرگ به‌عنوان اقدامی کاملاً استثنایی محسوب شود (Human Rights Committee, 1982, No. 6, para. 7). کمیته حقوق بشر در جایی دیگر، از دولت‌های طرف میثاق که مجازات اعدام را لغو نکرده‌اند، می‌خواهد جرائمی را که ارتکاب آنها به مرگ منجر نمی‌شود، مشمول «خطرترین جرائم» قرار ندهند (CCPR/C/79 /Add. 25, 1993, para. 8). گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر درباره اعدام‌های فراقانونی، شتاب‌زده و خودسرانه (CHR/E/CN. 4/2005/7, para. 55)

همچنین، شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۵۰ با موضوع «تدابیر تضمین‌کننده حمایت از حقوق اشخاص مواجه با مجازات اعدام» مصزانه تأکید داشته‌اند که مجازات مرگ باید یک مجازات بی‌نهایت استثنایی نسبت به حق حیات محسوب شود و موازین مربوط به استفاده از آن باید به محدودترین شکل ممکن، مورد تفسیر قرار گیرد (E/RES/1984/50, 1984, para.1). به نحوی که عبارت «خطرترین جرائم» صرفاً جرائم عمدی را شامل شود که نتایج مرگ‌بار و فوق‌العاده شدید دارند و مجازات اعدام برای اعمال مجرمانه غیرخشن مانند جرائم مالی و... را شامل نشود.

در مجموع نهادهای بین‌المللی حقوق بشری با ارائه تفسیر مضیق از عبارت «خطرترین جرائم» معتقدند: جرائم مرتبط با مواد با آستانه^۱ «خطرترین جرائم» تلاقی پیدا نمی‌کند بنابراین اعمال مجازات اعدام را در این خصوص، نقض آشکار حقوق بشر دانسته‌اند^۲ (Rick, 2010: 23). علاوه بر نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد، معاهدات بین‌المللی در غیر حوزه حقوق بشر نیز دلالت بر این دارند که جرائم مرتبط با مواد در زمره «خطرترین جرائم» قرار نمی‌گیرند. به عنوان مثال، یکی از معاهدات بین‌المللی که می‌تواند به روشن شدن ماهیت جرائم مذکور کمک کند؛ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (اساسنامه رم) است. اساسنامه رم در ماده (۱)، صلاحیت دیوان را به «خطرترین جرائم» که مایه نگرانی جامعه بین‌المللی است محدود کرده است. خطرترین جرائم که دیوان صلاحیت رسیدگی به آنها را دارد، طبق ماده (۵) اساسنامه مذکور عبارتند از: نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز. در زمان تهیه پیش‌نویس

1. Threshold

۲. کمیته حقوق بشر در اظهارنظرهای خود درباره کشورهای مختلف از جمله تایلند و سودان تأکید کرده است که جرائم مرتبط با مواد مخدر، مشمول عنوان «خطرترین جرائم» نمی‌شوند. (CCPR/CO/84/THA, 2005, para.14). گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر در خصوص اعدام‌های فراقانونی، شتاب‌زده و خودسرانه نیز در گزارش خود در ۱۹۹۶ تصریح کرده که مجازات مرگ باید نسبت به جرائمی از قبیل اقتصادی و مرتبط با مواد مخدر حذف شود. (E/CN.4/1997/60, 1996, para. 91). کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز در بیانیه مارس ۲۰۰۹ خود نگرانی‌های مشابهی را درباره اعمال مجازات اعدام درباره اشخاصی که فقط برای جرائم مرتبط با مواد مخدر محکوم به اعدام شده‌اند، مطرح کرده است و آن را مایه نگرانی جدی که به نقض حقوق بشر منجر می‌شود، دانسته است (OHCHR Press Release, 10 March 2009).

اسناسنامه رم، تلاش‌هایی برای اینکه جرائم مرتبط با مواد، در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار گیرند، به عمل آمد که نهایتاً توفیقی حاصل نشد. لحاظ نکردن جرائم مرتبط با مواد، به عنوان «خطرترین جرائم» در اساسنامه رم، مبین آن است که با وجود نگرانی جهانی درباره جرائم مذکور، دلیل کافی نیست که بیانگر رویه دولت‌ها و اعتقاد حقوقی آنها به قرار گرفتن جرائم مرتبط با مواد در زمره خطرترین جرائم و مشمول صلاحیت جهانی باشد (Ibid.: 25-26).

دادگاه‌های ایران، با این استدلال که با وجود قانون لازم‌الاجرا نمی‌توانند به دیگر منابع حقوق استناد کنند^۱ و درخصوص جرائم مرتبط با مواد، قانون مبارزه با مواد مخدر و اصلاحیه‌های بعدی آن، بر اعمال مجازات بدنی شلاق و اعدام برای مرتکبان جرائم مذکور دلالت دارد، بعضاً خود را بی‌نیاز از توجه به تعهدات بین‌المللی ناشی از میثاق دانسته و به علت اعمال فراوان مجازات بدنی، موجب واکنش‌های حقوقی و سیاسی علیه دولت ایران شده‌اند. هرچند نسخ یا اصلاح قوانین موجود مهم‌ترین راهکار برون‌رفت از چالش‌های حقوق بشری است^۲ اما تا آن زمان دادگاه‌های داخلی باید در پی یافتن راهکارهایی برای برون‌رفت از چالش‌های موجود باشند.

۲-۲. راهکارهای برون‌رفت از چالش‌های موجود

این اعتقاد که شدت مجازات‌ها، موجب کاهش جرم می‌شود،^۳ باعث شده که برخی کشورها با اتخاذ سیاست جنایی سرکوبگر و اعمال مجازات بدنی درصدد به حداقل رساندن ارتکاب جرائم باشند. گذر زمان و تجربه ناموفق کشورهای مذکور نشان داده

۱. اصل (۱۶۷) قانون اساسی قاضی را مکلف کرده طبق قوانین مدون حکم صادر کند. در صورت فقدان قانون به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر رجوع کند.

۲. به منظور مطالعه بیشتر درخصوص ضرورت اصلاح، نسخ یا وضع قانون منطبق با تعهدات بین‌المللی دولت نک: شایگان و رحمانی کلاکوب، ۱۳۹۸: ۱۲۵-۱۰۱.

۳. برای مطالعه درخصوص تأثیر شدت مجازات‌ها بر کنترل جرم، نک: نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۲.

است که شدت مجازات‌ها، تنها در کوتاه‌مدت می‌تواند آثاری را در پی داشته باشد.^۱ سختگیری کیفری در همه ابعاد سیاست جنایی رسوخ و آن را از مسیر اصلی و اولیه خود خارج می‌کند تا جایی که شعار تأمین امنیت حداکثری شهروندان، دچار نوعی بحران، به‌ویژه در عرصه نظام حقوق بشری می‌شود و نظام کیفری را از اهداف خود دور می‌کند (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۴۲). نباید به بهانه تأمین حداکثری امنیت، تضمینات حمایتی حقوق بشر از بین برود و کرامت انسانی در گستره سیاست قانونگذاری و تعیین و اعمال مجازات مورد غفلت واقع شود (Post, 2001: 2087).

با توجه به تعهدات بین‌المللی دولت ایران و گرایش جهانی به سمت لغو مجازات بدنی دادگاه‌های ایران در مقابله با جرائم مرتبط با مواد، باید اعمال مجازات اعدام را به‌صورت کاملاً استثنایی، تنها در مواردی محدود کنند که جرم ارتكابی آثار مرگباری در پی دارد و مجازات شلاق را نیز به مجازات متناسب دیگر تبدیل کنند. از این‌رو در وضعیت موجود آیا قضات ایرانی از چنین اختیاری برخوردارند؟

در حال حاضر، قانون حاکم در کشور ایران برای تعیین کیفر در جرائم مرتبط با مواد، قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات بعدی آن است که مجازات اعدام و شلاق در آن پیش‌بینی شده و دادگاه‌های ایران به‌کرات با استناد به آن، اقدام به تعیین مجازات بدنی و بعضاً اجرای آن در ملأعام کرده‌اند.^۲ به‌رغم

۱. مصاحبه با مقام‌های قضایی دست‌اندرکار مبارزه با مواد مخدر، دلالت بر ناکارآمدی اعمال مجازات بدنی در کنترل جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان دارد. بارها دیده شده است که بعد از دستگیری شخص حامل مواد روان‌گردان و صدور حکم اعدام برای وی، با فاصله اندکی همسروی و سپس پسر و دختری به اتهام مشابه تحت تعقیب قرار گرفته و مشمول احکام اعدام یا حبس ابد شده‌اند (هرچند با اعمال عفو، مجازات آنان به حبس ابد تبدیل شده است) یا شخصی که بارها به اتهام استعمال و نگهداری مقدار اندکی مواد مخدر سنتی متحمل حبس (به‌دلیل عجز از پرداخت جزای نقدی) و شلاق شده، پس از تحمل شلاق و آزادی از زندان، بلافاصله برای رهایی از آلام ناشی از ضربات شلاق، مجدداً به استعمال مواد روی آورده است.

۲. بنابه گفته مسئول ستاد حقوق بشر قوه قضائیه، ۹۰ درصد اعدام‌ها در ایران به جرائم مواد مربوط است. نک:

آثار سوء ناشی از این قبیل احکام به ویژه در سطح بین‌المللی،^۱ دادگاه‌های ایران، معمولاً تمایلی به عدم اعمال مجازات بدنی نشان نمی‌دهند. این عدم تمایل، تا حد زیادی ناشی از عدم آشنایی آنها با تعهدات بین‌المللی دولت و یافته‌های جرم‌شناسی و عدم مهارت آنها در به‌کارگیری ظرفیت‌های موجود قانونی است.

تا زمان اصلاح قوانین مغایر با تعهدات بین‌المللی دولت، دادگاه‌های ایران می‌توانند با برداشت صحیح از اسلام و با در نظر گرفتن هدف مجازات‌ها،^۲ در بسیاری از موارد از ظرفیت‌های قانونی استفاده کرده، با لحاظ یافته‌های جرم‌شناسی و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و مصالح نظام و با تمسک به آموزه‌ها و نظر علمای برجسته دینی، برای تعدیل قانون مبارزه با مواد مخدر همسو با تعهدات بین‌المللی دولت اقدام کنند و از این طریق ضمن جلوگیری از تنفیر دین مبین اسلام،^۳ مانع مسئولیت بین‌المللی دولت شوند.

از آنجاکه جرائم مرتبط با مواد، در بیشتر موارد از جرائم تعزیری است و در جرائم تعزیری نوع و مقدار مجازات در شرع مشخص نشده و اختیار تعیین آن با در نظر گرفتن عوامل

۱. به‌عنوان مثال بندهای «۹ تا ۱۲» گزارش ۲۸ مه ۲۰۱۵ گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در مورد ایران، به آمار بالای مجازات اعدام در کشورمان درخصوص جرائم مرتبط با مواد و مخالفت آن با تعهدات بین‌المللی دولت اشاره دارد. نک: UN Doc. A/HRC/28/70, 2015.

۲. به اعتقاد برخی فلاسفه و جرم‌شناسان غربی «هدف کیفر، جز آن نیست که بزهکار را از زیان رسانیدن دوباره به شهروندان باز دارد و دیگران را نیز از پیروی در این راه بازگرداند» (بکاریا، ۱۳۸۰: ۶۷). اما در دین اسلام، اصلاح و تربیت بزهکار و رحمت و احسان به او و جامعه، مبنای مجازات است، از این رو، در اسلام، علی‌الاصول مجازات دارای مطلوبیت ذاتی نیست. اگرچه در بعضی از جرائم مجازات شدیدی در نظر گرفته شده است، ولی راه‌های اثبات جرم، تقریباً بسته به نظر می‌رسد. تعبیه نهاد ارزشمند توبه و نیز اعمال وسیع قاعده درء (دفع مجازات با ظهور کمترین شبهه‌ای)، همین معنا را به اثبات می‌رساند. به‌منظور مطالعه بیشتر نک: قربان‌نیا، ۱۳۸۰: ۴۵-۳۰.

۳. «حرمت تنفیر از دین» یک قاعده فقهی در مذهب نورانی شیعه است. به موجب آن ارتکاب هر عملی که موجب دین‌گریزی مردم شود، حرام است. اجرای احکام شریعت باید در بستر مقبولیت عمومی و در تعامل منطقی و معقول با جامعه و به‌ویژه با لحاظ زمینه‌های فکری و فرهنگی آن اجرا شود تا مورد پذیرش قرار گیرد و هدف نهایی دین که گشودن قلب‌هاست، حاصل شود. مفاد این قاعده نه تنها بر ادله احکام مباح که بر ادله احکام اسلامی نیز حاکم است؛ جز مواردی که احراز شود، حکم اولی دارای چنان اهمیت و ملاک اقوایی است که شارع به هیچ روی راضی نیست مکلفان عمل به آن را ترک کنند. این قاعده که مستند آن قرآن، سنت، اجماع و عقل است در بسیاری از ابواب مهم فقهی و حقوقی از جمله اجرای مجازات‌ها کاربرد دارد. به‌منظور مطالعه بیشتر در این خصوص نک: نوبهار، ۱۳۸۴: ۱۷۰-۱۳۰.

مختلف از جمله وضعیت خاص مجرم و مصلحت جامعه، به حکومت واگذار شده و اینکه طبق نظر اکثر فقها، تعزیر منحصر در مجازات بدنی نیست (محقق داماد، ۱۳۹۰: ۲۳۶-۲۲۳). علاوه بر امکان پذیرش توبه مجرم،^۱ دادگاه‌ها می‌توانند با تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، تخفیف و تعیین مجازات جایگزین از قبیل جزای نقدی از اعمال مجازات شلاق با استناد به نهادهای ارفاقی مقرر در قوانین خودداری کنند.^۲ همچنین می‌توانند با اعمال آیین نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومان به اعدام، مجازات اعدام را محدود به اشخاصی کنند که در حد وسیع اقدام به قاچاق، حمل و توزیع مواد مخدر و روان‌گردان می‌کنند و موجب به خطر افتادن سلامتی افراد و منافع جامعه به صورت گسترده می‌شوند و با توجه به سوابقشان، دیگر امیدی به اصلاح آنان نیست. این‌گونه عملکرد دادگاه‌ها منطبق با مصالح نظام^۳ و موازین شرعی و همسو با تعهدات بین‌المللی دولت خواهد بود.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به نگرانی عمیق جامعه بین‌المللی از حجم و روند رو به افزایش تولید، تقاضا و قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و روان‌گردان و تأثیر آن جرائم بر بهره‌مندی انسان از حقوقش و نیز با توجه به ارتباط بین جرائم مذکور با سایر جرائم سازمان‌یافته که می‌تواند تهدیدی

۱. تعزیر اگر از حقوق الهی باشد همه فقیهان عامه توبه را مسقط تعزیری می‌دانند و اگر از حقوق مردم باشد با توبه از بین نمی‌رود، مگر پس از اخذ رضایت بزه‌دیده مواد (۱۱۴ تا ۱۱۹) قانون مجازات اسلامی، به طور خاص به مبحث توبه اختصاص یافته، البته مقتن در سایر مواد این قانون نیز به مقتضای بحث، از این واژه استفاده کرده است. در خصوص آثار توبه در جرائم مستوجب تعزیر ماده (۱۱۵) قانون مجازات اسلامی قانونگذار در مورد جرائم تعزیری، درجات شش، هفت و هشت را از مابقی درجات تعزیر جدا کرده است، بر این اساس، چنانچه مرتکب در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود. در مورد سایر درجات یعنی یک تا پنج، دادگاه می‌تواند مقررات تخفیف مجازات را اعمال کند. با پذیرش توبه در تعزیرات طبق بند «ج» ماده (۱۳) قانون آیین دادرسی کیفری قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود. به منظور مطالعه بیشتر در این خصوص نک: صادقی، ۱۳۹۲: ۱۷۴-۱۵۳.

۲. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نهادهای ارفاقی مختلف از جمله تعویق صدور حکم، (مواد ۴۳-۴۰)، تعلیق اجرای مجازات (مواد ۵۵-۴۶) یا تخفیف و تبدیل مجازات (مواد ۳۸-۳۷) پیش‌بینی شده است.

۳. طبق نظریه مصلحت، جرائم و مجازات‌ها تابع مصالح زمان و مکان بوده و باید براساس آن، به جرم‌انگاری نسبت به برخی اعمال یا جرم‌زدایی از برخی اعمال دیگر، کیفرزدایی، تشدید، تخفیف، تبدیل، تعلیق یا توقیف اجرای کیفر اقدام کرد. برای مطالعه بیشتر نک: دهقان، ۱۳۷۷: ۸۸.

برای نظم و امنیت بین‌المللی باشد، اتخاذ سیاست جنایی مناسب از سوی دولت‌ها برای برخورد قاطع و بازدارنده در قلمرو سرزمینی و درعین حال، اعمال همکاری‌های گسترده به منظور به حداقل رساندن آسیب‌های ناشی از جرائم مذکور، ضروری است.

جمهوری اسلامی ایران - که در مجاورت کشور افغانستان، بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر، قرار گرفته - نظامی مبتنی بر ارزش‌های انسانی و طرف معاهدات بین‌المللی مرتبط از ابتدا، خود را متعهد به مبارزه جدی با قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان دانسته و با صرف هزینه‌های مالی و انسانی فراوان درصدد جلوگیری از ورود و توزیع آن مواد به داخل کشور و ممانعت از ترانزیت آن به سایر کشورها بوده است. اعمال مجازات اعدام و شلاق از سوی دادگاه‌های ایران در جرائم مرتبط با مواد، واکنش نهادهای بین‌المللی و سایر دولت‌ها را در پی داشته است.

با توجه به اینکه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به‌عنوان سندی لازم‌الاتباع برای دولت ایران، بر عدم اعمال مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی و خوارکننده تأکید کرده و اعمال مجازات اعدام را با رعایت شرایطی برای «خطیرترین جرائم» جایز دانسته، دادگاه‌های ایران در برخورد با بسیاری از جرائم مرتبط با مواد که مجازات آنها از نوع تعزیری است، می‌توانند با استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود، مجازات شلاق را به مجازات بازدارنده و متناسب دیگر تبدیل کنند یا اجرای آن را تعلیق یا به تعویق بیندازند و با اعمال آیین‌نامه کمیسیون عفو و بخشودگی، مجازات اعدام را به قاچاقچیان مسلح و توزیع‌کنندگان عمده مواد و اشخاص سابقه‌دار که دیگر امیدی به اصلاح آنان نیست، محدود کنند. از این طریق، موجب همسویی با تعهدات بین‌المللی و احتراز از مسئولیت بین‌المللی دولت فراهم می‌شود. چنین اقدامی مستلزم آشنایی قضات با تعهدات بین‌المللی و مهارت آنها در به‌کارگیری ظرفیت‌های قانونی است که در آموزش‌های رسمی آنها مغفول مانده است. انتظار می‌رود با توجه به تحولات حقوق بین‌الملل و اهمیت جایگاه فرد در آن، جامعه حقوقی کشور و دولت، به‌ویژه قوه قضائیه، توجه بیشتری به آموزش حقوق بین‌الملل در سطوح دانشگاهی، حوزوی، کارآموزی قضایی و ضمن خدمت قضات معمول دارند.

منابع و مآخذ

۱. آقا میرسلیم، مرضیه السادات (۱۳۸۶). «جایگاه مجازات اعدام در حقوق بشر اسلام و غرب»، خبرنگارنامه *انجمن ایرانی حقوق جزا*، ش ۷ و ۸.
۲. ابراهیمی، محمد (۱۳۸۹). تبیین موضوعی ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی در نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات خرسندی.
۳. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۰). «شکنجه»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۹.
۴. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی:
<https://www.icc-cpi.int/resource-library/Documents/RS-Eng.pdf>
۵. بکاریا، سزار (۱۳۸۰). رساله جرائم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران، مجد.
۶. تیگر شتروم، باربارافن (۱۳۸۹). امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل، ترجمه اردشیر امیرارجمند و حمید قنبری، تهران، مجد.
۷. جوزف، سارا، شولتز جنی کسن و ملیسا کسن (۱۳۹۵). میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دعاوی، آموزه‌ها، تفاسیر، ترجمه و تحقیق سیدقاسم زمانی و همکاران، جلد اول، تهران، شهر دانش.
۸. دهقان، حمید (۱۳۷۷). «تأثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی اسلام»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰.
۹. دلخوش، علیرضا (۱۳۹۰). مقابله با جرائم بین‌المللی: تعهد دولت‌ها به همکاری، تهران، شهر دانش.
۱۰. رستم‌زاده، حسین قلی (۱۳۸۴). «جامعه بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۳۳.
۱۱. زمانی، سیدقاسم و هاله حسینی اکبرنژاد (۱۳۹۴). «جامعه بین‌المللی و عدالت کیفری جهانی»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، ش ۳.
۱۲. ساعد، نادر (۱۳۸۳). «اجرای ملی موازین حقوق بین‌الملل و نقش دادگاه ایرانی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، سال سوم، ش ۶.
۱۳. سونکا، پتر (۱۳۷۶). «مجازات اعدام از دیدگاه حقوق بشر»، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تحقیقات حقوقی، ش ۲۰ و ۱۹.
۱۴. شمس ناتری، محمدابراهیم، حمیدرضا کلانتری، ابراهیم زارع و زینب ریاضت (۱۳۹۲). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، میزان.

۱۵. صادقی، محمدهادی (۱۳۹۲). «نقش توبه در حدود و تعزیرات»، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۴، ش ۲.
۱۶. صرامی، حمید (۱۳۹۳). «بررسی علل مرگ و قتل ناشی از اعتیاد، قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان‌ها»، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، دوره ۱، ش ۱.
۱۷. غلامی، علی و محمد مهدی رحیمی (۱۳۸۸). «تأثیر سیاست جنایی سرکوبگرانه بر نرخ ارتکاب جرائم با نگاهی به سیاست جنایی اسلام»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ش ۳۰.
۱۸. فریده، شایگان و اسماعیل رحمانی کلاکوب (۱۳۹۸). «ضرورت همسویی مجلس شورای اسلامی با تعهدات بین‌المللی دولت در مقابله با جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال بیست و یکم، ش ۶۲.
۱۹. فلسفی، هدایت الله (۱۳۷۹). حقوق بین‌الملل معاهدات، چاپ اول، تهران، فرهنگ نشر نو.
۲۰. _____ (۱۳۹۰). صلح جاویدان و حکومت قانون: دیالکتیک همانندی و تفاوت، تهران، فرهنگ نشر نو.
۲۱. قپانچی، حسام و حمیدرضا دانش‌ناری (۱۳۹۱). «الگوی دوگانه فرایند کیفری: کنترل جرم و دادرسی منصفانه»، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۴.
۲۲. قدیری بهرام‌آبادی، رشید (۱۳۹۶). «تقابل حق و مصلحت (با تأکید بر جرائم تروریستی)»، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و یکم، ش ۹۸.
۲۳. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۰). «فلسفه مجازات‌ها در فقه کیفری اسلام»، رواق اندیشه، ش ۳.
۲۴. قناد، فاطمه و فاطمه اکبری (۱۳۹۶). «امنیت‌گرایی سیاست جنایی»، پژوهش حقوق کیفری، ش ۱۸.
۲۵. کانت، ایمانوئل (۱۳۸۸). فلسفه حقوق، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، چاپ سوم، تهران، نشر نقش و نگار.
۲۶. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۰). قواعد فقه بخش جزایی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۷. موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۸). سازمان‌های بین‌المللی، چاپ دوازدهم، تهران، میزان.
۲۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲). کیفرشناسی نو. جرم‌شناسی نو: درآمدی بر رویکرد مدیریتی خطرمدار، تهران، میزان.
۲۹. نوبهار، رحیم (۱۳۸۴). «بررسی قاعده فقهی حرمت تنفیر از دین»، تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه.
۳۰. هاشمی، حمید (۱۳۸۸). «اجرای تعهدات بین‌المللی در نظام قضایی ایران: محدودیت‌ها و ظرفیت‌ها»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۵.

31. CAT/C/SR.494 (26 November 2001).
32. CCPR/C/79 /Add. 25 (1993).
33. CCPR/C/SDN/CO/3 (2007).
34. CCPR/CO/84/THA (2005).
35. CHR/E/CN.4/2005/7
36. Convention on Psychotropic Substances (1971).
37. Convention on the Rights of the Child (1989).
38. CRC/C/15/Add.267 (21 September 2005).
39. E/CN.4/1997/60 (1996).
40. E/CN.4/1997/7 (10 January 1997).
41. E/RES/1984/50 (1984), Annex
42. Emmerson, Ben, Andrew Ashworth and Alison Macdonald (2012). *Human Right and Criminal Justice*, Third Edition, London, Sweet & Maxwell Publishing.
43. Franck, Thomas M. (1995). *Fairness in International Law and Institutions*, Oxford: Oxford University Press.
44. Human Rights Committee (1982). General Comment, No. 6, 7.
45. _____ (1992). General Comment, No. 20.
46. _____ (1997). George Osbourne v. Jamaica, CCPR/C/68/D/759/1997.
47. ICJ (1952). Ambatielos Case (Greece v. United Kingdom) Judgment of 1 July.
48. _____(1970). Barcelona Traction Case (Belgium v. Spain) Judgment of 5 February.
49. ILC (2001). Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Act.
50. International Covenant on Civil and Political Rights (1966).
51. OHCHR Press Release (10 March 2009).
52. PCIJ (1927). The Lotus Case (France v. Turkey), Series A, No. 10.

53. Post, Robert (2001). "Three Concept of Privacy", *The Georgetown Law Journal*, No.89 .
54. Rick, Lines (2010). "A 'Most Serious Crime'?-The Death Penalty for Drug Offences and International Human Rights Law", *Amicus Journal*, No. 21.
55. Single Convention on Narcotic Drugs (1961).
56. Trinidad, Antonio Augusto Cancado (2010). *International Law for Humankind*, Leiden, Martinus Nijhoff.
57. UN Doc.A/HRC/28/70 (28 May 2015).
58. UN Doc.E/RES/1984/50 (1984).
59. UN Doc. A/HRC/34/40 (13 March 2017).
60. UN Economic and Social Council Resolution, UN Doc. E/RES/1984/50 (25 May 1984), Annex.
61. UN Human Rights Committee, Comments on the Report Submitted by Is Republic of Iran under Article 40 of the Covenant, UN Doc. CCPR/C/79 /Add. 25, (3 August 1993).
62. United Nation Convention Against the Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances (1988).
63. United Nations S/RES/1373 (2001).
64. www.isna.ir/news/9550108387
65. Zedner, Lucia (2005). "Securing Liberty in the Face of Terror: Reflections from Criminal Justice", *Journal of Law and Society*, Vol. 32.
66. <http://www.iranrights.org/fa/library/document/2896> (11 March 2016)
67. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/02/27/742671>